



## بررسی تطبیقی نظام جنس دستوری در هورامی و عربی

هادی رضوان<sup>\*۱</sup>

حیدر رحیمی<sup>۲</sup>

یادگار کریمی<sup>۳</sup>

سعید کرمی<sup>۴</sup>

مقاله پژوهشی

### چکیده

هورامی و عربی به عنوان دو زبان متعلق به دو خانواده بزرگ زبان‌های ایرانی و زبان‌های سامی هستند. جنس دستوری یکی از مقوله‌هایی است که در هر دو زبان کماکان حضور فعال دارد. هدف از انجام این پژوهش، رده‌شناسی نظام جنس دستوری در دو زبان هورامی (با محوریت گویش هورامان تخت) و زبان عربی (عربی استاندارد) و بررسی تطبیقی شباهت‌ها و تفاوت‌های جنس دستوری در این دو زبان است. داده‌های زبان عربی مورد استناد در این مقاله از منابع مکتوب به ویژه منابع دستور زبانی معاصر انتخاب شده است. داده‌های زبان هورامی نیز بر اساس ۶ ساعت گفتگو ضبط شده با بیست گویشور بومی هورامان تخت استخراج شده است. تحلیل داده‌ها، بر اساس چارچوب نظری کوربت (۱۹۹۱) صورت گرفته است. به طور مشخص، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در هر دو زبان: دو جنس دستوری (مذکر و مؤنث) وجود دارد. جنس دستوری بدون نشان مذکر است. صفات، افعال و ضمائر با اسم در جنس دستوری مطابقت می‌کنند. با وجود هسته معنایی در دو زبان، نظام تخصیص غالب در آن‌ها صوری است. همچنین تفاوت‌هایی بین این دو زبان وجود دارد. این تفاوت‌ها در کنش جنس دستوری در این دو زبان با زمان، شخص و شمار است. به عنوان نمونه، در هورامی، تنها اسم‌های مفرد تمایز جنس دستوری دارند، در حالی که در زبان عربی، اسم‌های مفرد، مثنی و جمع از این تمایز برخوردارند. بررسی جهانی‌های گرینبرگ در مورد جنس دستوری نیز نشان داد که همه جهانی‌های تلویحی گرینبرگ در مورد جنس دستوری در این دو زبان صادق هستند.

**کلیدواژه‌ها:** رده‌شناسی، جنس دستوری، زبان هورامی، زبان عربی

✉ hrezwan@uok.ac.ir

✉ rahimiheidar94@gmail.com

✉ y.karimi@uok.ac.ir

✉ karami919seed@gmail.com

۱- دانشیار گروه زبان عربی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه

کردستان \*

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه عربی دانشگاه کردستان

۳- دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه کردستان

۴- دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی دانشگاه بوعلی

سینا همدان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/rjhll.2022.22943.2093

## ۱- مقدمه

زبان‌های گوناگون برای بازنمایی پدیده‌های یکسان ابزارهای متفاوتی به کار می‌گیرند. یکی از وجوه تنوع در زبان‌ها، جنس دستوری است که در برخی از آن‌ها حضوری فعال و در برخی دیگر کاملاً غایب است. جنس دستوری یکی از جالب‌ترین و بحث‌برانگیزترین مقولات دستوری است و موضوعی است که نه تنها توجه زبان‌شناس‌ها بلکه توجه غیر زبان‌شناس‌ها را هم به خود جلب کرده است (کوربت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۱).

در این پژوهش تلاش بر این است که جنس دستوری در دو زبان هورامی و عربی، به عنوان نمایندگان دو خانواده زبانی ایرانی و سامی، مورد تفحص زبان‌شناختی قرار گیرد؛ زبان هورامی برخلاف بیشتر زبان‌های ایرانی حامل جنس دستوری است و از سویی دیگر زبان عربی به‌عنوان یکی از زبان‌های سامی است که حامل جنس دستوری است.

زبان هورامی متعلق به شاخه زبان گورانی از گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی است (دبیرمقدم، ۱۳۹۶، ج ۲: ۷۹۴). گویشی که در این پژوهش قصد بررسی آن را داریم، گویش شهر هورامان تخت است. پیش‌بینی می‌شود که کل جمعیت گویشوران گورانی بیش از ۵۰۰،۰۰۰ نفر باشد. هورامی گونه اصلی گورانی گفتاری است و بیش از هر گونه دیگری گویشور دارد. برخی از گویش‌های نزدیک به هورامی از بین رفته و بر اساس اسناد یونسکو<sup>۲</sup> اکنون هورامی نیز از جمله زبان‌های در معرض خطر است. زبان گورانی از حیث واژگان به هورامی نزدیک است اما از حیث دستور کاملاً با آن تفاوت دارد. از تمایزهای بارز آن‌ها تمایز جنس دستوری است که در گورانی گفتاری (هورامی و غیره) وجود دارد اما در گورانی ادبی یافت نمی‌شود (محمود ویسی، ۲۰۱۶: ۱۲۳-۶۵). لذا چنانچه چمن‌آرا و کراینبروک (۲۰۱۳) و محمود ویسی (۲۰۱۶) گفته‌اند ما در کل با دو زبان گورانی متفاوت سروکار داریم، یکی گورانی گفتاری<sup>۳</sup> که اصطلاحی است پوششی برای زبان هورامی و گویش‌های نزدیک به آن مانند گویش زرده، گوره‌جو و کندوله در ایران و باجلانی و شبک در نزدیک موصل عراق و دیگری، زبان متون گورانی که به گورانی ادبی<sup>۴</sup> مشهور است؛ یعنی زبان متون دینی یارسان و زبان شاهنامه کردی و زبان شعرای دوره حکومت محلی اردلان.

زبان عربی، زبان بومی بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در بیست کشور مختلف (گوردون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) و همچنین زبان مقدس بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان است (رایدینگ، ۲۰۰۵). در این پژوهش عربی استاندارد معاصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت که به قول وینسنت موتیل<sup>۶</sup> نسخه جدید عربی کلاسیک و به عبارتی «عربی مطبوعات» نامیده می‌شود.

1. Corbett

2. <http://www.unesco.org/languages-atlas/>

3. Spoken Gurani

4. Literary Gurani

5. Gordon

6. Vincent Monteil

اکنون با در نظر گرفتن اینکه دو زبان هورامی و عربی از دو خانواده زبانی بزرگ هستند و با توجه به اینکه در بیشتر مقولات دستوری (مانند حالت، شمار، ترتیب واژه و...) شباهتی ندارند، در رابطه با مقوله جنس دستوری شباهت‌های برجسته‌ایی میان آن‌ها وجود دارد. در این پژوهش به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو زبان در دو زمینه تخصیص و مطابقت جنس، پرداخته خواهد شد. به طور مشخص، پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱- تمایل غالب هورامی در قرارگیری در رده جنس دستوری چگونه است؟

۲- تمایل غالب عربی در قرارگیری در رده جنس دستوری چگونه است؟

۳- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان رده جنس دستوری این دو زبان وجود دارد؟

در ادامه مقاله، نخست به مرور پیشینه پژوهش در بخش (۲) می‌پردازیم، سپس در بخش (۳) مختصات روش پژوهش ترسیم می‌گردد. در بخش (۴) به ترتیب جنس دستوری در زبان هورامی و عربی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت در بخش (۵) نتیجه‌گیری پژوهش، خواهد آمد.

## ۲- پیشینه پژوهش

واژه (gender) برای زبان‌شناسان به معنی «نوع» است نه جنس طبیعی (فسولد و کونور-لینتون، ۲۰۰۶: ۸۴). به زبان‌هایی که دارای طبقات دوگانه جنس دستوری (مذکر و مؤنث) و یا سه‌گانه آن (مذکر، مؤنث و خنثی) باشند زبان‌های جنسیت‌دار یا زبان‌های دارای جنس دستوری می‌گویند (هلینگر و بوومان، ۲۰۰۱: ۶). جنس دستوری، مشخصه‌ای تصریفی برای اهداف مطابقت است؛ نمونه‌های متعارف آن، مذکر، مؤنث و گاهی اوقات جنس دستوری ۱ و جنس دستوری ۲ و غیره است (هسپلمت و سیمز، ۲۰۱۰: ۳۲۹). در ایرانی باستان اسم، صفت، ضمیر (به جز ضمائر شخصی) و عدد سه جنس: مذکر، مؤنث و خنثی، سه شمار: مفرد، مثنی و جمع و هشت حالت دارند جنس در ایرانی باستانی دستوری است؛ یعنی ممکن است اسمی که بر مؤنث دلالت می‌کند، مذکر باشد: kajnin به معنی دختر و vsnta به معنی زن، هر دو مذکرند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۲۶، ۲۷). برخلاف زبان فارسی، جنس دستوری در برخی از گویش‌های ایرانی نو کماکان نمود دارد، اگرچه جنس خنثی تقریباً از بین رفته است. باربرا (۲۰۰۱) در بررسی جنس دستوری گویش‌های ایرانی، گورانی<sup>۴</sup> را به عنوان یکی از گویش‌های دارای جنس دستوری مطرح می‌کند. عبدالتواب (۱۹۹۷) می‌گوید تطبیق و مقایسه زبان‌های سامی نشان می‌دهد که سامیان پیشین برای تمایز نر و ماده از واژه‌های جداگانه استفاده می‌کردند.

1. Fasold and Jeff Connor-Linton  
2. Hellinger and Bußmann  
3. Haspelmath and Sims

۴. هورامی و گویش‌های نزدیک به آن.

تاکنون دربارهٔ دستور زبان هورامی کم و بیش آثاری تألیف شده است اما در خصوص جنس دستوری و نظام تخصیص آثار زیادی در دسترس نیست. از مشهورترین آثاری که در این زمینه نگاشته شده است مکنزی<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) است. در این کتاب او جنس دستوری را به عنوان بخشی از ساختار دستوری زبان هورامی معرفی می‌کند. از جمله آثار جدید نیز، کتاب جنس دستوری در زبان هورامی نوشتهٔ سجادی (۱۳۹۴) است که به صورت اختصاصی جنس دستوری در زبان هورامی را مورد تحقیق و پژوهش قرار داده است. محمود ویسی (۲۰۱۶)، در بخش پنجم پایان نامهٔ خود دربارهٔ وزن شعر در گورانی ادبی به بررسی چند نمونهٔ بارز از تفاوت دستور زبان گورانی ادبی با گورانی گفتاری (هورامی و گویش‌های نزدیک به آن) پرداخته است. محمودی بختیاری و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان جنس دستوری در زبان هورامی با استفاده از داده‌های میدانی از دو گویش لهون (شمالی و جنوبی) و هورامان تخت به بررسی جنس دستوری در این زبان پرداخته و بر پایهٔ چارچوب کوربت (۱۹۹۱) نحوهٔ تخصیص و تعیین جنس دستوری در این دو گویش، مطابقت جنس دستوری و محدودیت‌های آن را مورد پژوهش قرار داده‌اند.

در زبان عربی، موضوع جنس دستوری از دیرباز مطرح بوده و به عنوان یکی از عناصر دستوری در این زبان مطرح شده است. به همین دلیل، مقولهٔ جنس دستوری (المذکر و المؤنث) در تمام کتاب‌های دستور زبان عربی از آثار کلاسیکی مانند الکتب سبویه (۱۹۸۸)، کتاب‌ها و منظومه‌های متعدد با عنوان المذکر و المؤنث گرفته تا پژوهش‌های معاصر در این زمینه، همواره یکی از مباحث اساسی این زبان به شمار آمده است. از آثار معاصر در زمینهٔ دستور زبان عربی استاندارد و جنس دستوری، می‌توان به این موارد اشاره کرد: بدوی، کارتر و گولی<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، رایدینگ (۲۰۰۵)، فهري<sup>۳</sup> (۲۰۱۸).

باوجود آثار متعددی که در زمینهٔ تطبیق میان زبان فارسی و زبان عربی نگاشته شده است، اما تا جایی که نگارنده اطلاع دارد تاکنون در زمینهٔ تطبیق جنس دستوری میان زبان‌های ایرانی با زبان‌های سامی به صورت عام و زبان هورامی و عربی به صورت خاص آثاری یافت نشده است. در پژوهش حاضر تلاش بر این است که به بررسی تطبیقی رده‌شناسی جنس دستوری در این دو زبان پردازیم. از آنجا که این موضوع تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، نتایج آن می‌تواند به بینشی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های جنس دستوری بین دو زبان منجر شده و زمینه را برای مطالعات بیشتر در حوزهٔ زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی فراهم کند.

### ۳- روش پژوهش

در این پژوهش، داده‌های زبان عربی از منابع مکتوب به ویژه منابع دستور زبانی معاصر انتخاب شده است. داده‌های زبان هورامی نیز بر اساس ۶ ساعت گفتگو ضبط شده با بیست گویشور بومی هورامان تخت استخراج شده است. بررسی داده‌ها نشان داد که آوای پایانی کلمات است که جنسیت را در کلمات تغییر می‌دهد و با توجه به جمله‌های به کار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان، معلوم شد که عناصر مختلف در جنس

1. Mackenzie

2. Badawi, Carter and Gully

3. Fehri

دستوری مطابقت نشان می‌دهند. مبنای تجربی پژوهش، قضاوت زبانی مصاحبه‌شوندگان بوده است و به‌منظور صحت هرچه بیشتر داده‌ها سعی بر آن بوده که در انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها حتی‌الامکان از گویشوران با سن بالای ۵۰ سال، بی‌سواد، یک‌زبان و ساکن شهر اورامان تخت استفاده شود. به‌علاوه، از شمّ زبانی نگارنده به‌عنوان گویشور بومی این زبان استفاده شده است و داده‌های به‌دست‌آمده با داده‌های جمع‌آوری‌شده از سوی مکزی (۱۹۶۶) و سجادی (۱۳۹۴) مقایسه شده است. داده‌ها بر اساس الفبای آوانویسی بین‌المللی (IPA) آوانگاری شده‌اند و به شکلی توصیفی-تحلیلی و به‌صورت همزمانی<sup>۱</sup> و بر اساس چارچوب نظری کوربت (۱۹۹۱) به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

### ۳-۱- جنس دستوری

کوربت به نقل از هاکت<sup>۲</sup> (۱۹۵۸: ۲۳۱) می‌گوید «جنس‌ها طبقاتی از اسم‌ها هستند که در عملکرد واژه‌های مرتبط بازناتاب پیدا می‌کنند» (۱۹۹۱: ۱). واژه (gender) به لحاظ ریشه شناسی از واژه فرانسوی قدیم (gendre) گرفته شده که آن هم از واژه (genus) در لاتین مشتق شده است و دراصل به معنی «نوع» است. واژه جنس دستوری تنها برای گروهی از اسم‌ها به کار نمی‌رود بلکه درمورد کل مقوله کاربرد دارد؛ بنابراین، هنگامی که می‌گوییم یک زبان خاص مثلاً دارای سه جنس دستوری مونث، مذکر و خنثی است، به این معناست که آن زبان دارای مقوله جنس دستوری است (همان: ۱، ۴). در زبان‌های جنسیت‌دار، جهان، وقایع و پدیده‌های درون آن، هر کدام جنس دستوری خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. معیار تشخیص جنس مطابقت است؛ به همین خاطر، هنگامی که می‌گوییم زبانی سه جنس دستوری دارد، به این معناست که سه طبقه اسم در آن زبان براساس مطابقت قابل تشخیص است. تعداد جنس‌های دستوری به سه عدد محدود نیست؛ تا چهار رایج است و ممکن است تا بیست نیز افزایش یابد (کوربت، ۱۹۹۱: ۴، ۵).

گویشوران بومی این توانایی را دارند که جنس دستوری را به اسم‌ها تخصیص دهند و به انواع متفاوت این توانایی «نظام‌های تخصیص<sup>۳</sup>» می‌گویند (کوربت، ۱۹۹۱: ۷۸). کوربت می‌گوید شواهد نشان می‌دهند که قواعد تخصیص در واقع به صرف قاعده‌مند بودن آنها نیست که سبب تخصیص جنس می‌شوند، بلکه این قواعد بخشی از توانش زبانی گویشور بومی‌اند (همان: ۷۰). تخصیص به دو نوع اطلاعات اساسی در مورد اسم بستگی دارد: معنای آن و صورت آن. اطلاعات مربوط به صورت نیز به نوبه خود دو نوع‌اند: ساختوازی<sup>۴</sup> که شامل اشتقاق و تصریف می‌شود و ساخت‌واجی<sup>۵</sup>. زبان‌ها ممکن است از ترکیب‌های متفاوتی از این اطلاعات استفاده کنند و البته اینکه موارد استثنائی نیز داشته باشند. به عنوان مثال واژه «خانه» در زبان روسی مذکر، در فرانسوی مؤنث و در تامیل خنثی است؛ زیرا هر کدام از این زبان‌ها نظام خاصی از تخصیص

1. Synchronic
2. Hockett
3. Assignment systems
4. Morphological
5. Phonological

جنس را دارند. زبان تامیل نظام معنایی، زبان روسی نظام ساختواژی و زبان فرانسوی نظام واجی دارند. البته در کل باید این نکته را در نظر داشته باشیم که تمام نظام‌های تخصیص جنس دستوری معنایی‌اند، زیرا برای هر نظام تخصیص همیشه یک هسته معنایی وجود دارد (همان: ۳، ۷، ۸).

#### الف) نظام معنایی<sup>۱</sup>

این نظام تخصیص دارای میزان بالایی از ثبات و پایداری است که با توجه به معنای اسم و بدون ارجاع به شکل و صورت آن، می‌توان جنس دستوری اسم را پیش‌بینی کرد. مثلاً می‌توان به اطمینان گفت اسمی که بر ماده دلالت می‌کند، مؤنث است و از سوی دیگر اسمی که دارای جنس دستوری مؤنث است، بر ماده دلالت می‌کند. به چنین نظام‌هایی «نظام‌های جنس طبیعی<sup>۲</sup>» می‌گویند. نمونه‌ای از زبان‌های دارای نظام معنایی زبان تامیل<sup>۳</sup> از مجموعه زبان‌های دراویدی<sup>۴</sup> است. اسم‌ها در این زبان به دو طبقه تقسیم می‌شوند؛ طبقه عاقل که خود به دو دسته تقسیم می‌شود، مذکر مانند aaṅ (مرد) و مؤنث مانند pen (زن) و طبقه غیرعاقل (خنثی) مانند maram (درخت) (همان: ۸، ۹).

#### ب) نظام‌های صوری<sup>۵</sup>

در بسیاری از زبان‌ها نظام معنایی برای تخصیص جنس دستوری صدق نمی‌کند. به همین خاطر به منظور تخصیص جنس به جای نظام معنایی از نظام صوری استفاده می‌شود؛ یعنی قواعد تخصیص به جای معنی اسم‌ها مبتنی بر صورت آنهاست. این قواعد به دو نوع تقسیم می‌شوند: ساختواژی و واجی. قواعد ساختواژی مربوط به ساختار کلمه است. قواعد ساختواژی از دو جهت با قواعد معنایی ارتباط دارند: اول اینکه قواعد ساختواژی دارای هسته معنایی هستند و دوم اینکه در مواردی قواعد ساختواژی با قواعد معنایی همپوشانی<sup>۶</sup> دارند. نمونه زبان دارای نظام ساختواژی، زبان روسی است. در این زبان اسم‌های دارای پسوند -dec مذكراند مانند šotlandec (مرد اسکاتلندی) و اسم‌های دارای پسوند -ka مؤنث‌اند مانند šotlandka (زن اسکاتلندی). نظام‌های واجی به ساختار آوایی مربوط می‌شوند. در تعیین جنس براساس نظام واجی ارجاع تنها به یک صورت اسم مثلاً آوای پایانی کلمات کافی است. در زبان قفار که یکی از زبان‌های کوشی شرقی (بخشی از زبان‌های آفریقایی-آسیایی) است تکیه و آوای پایانی کلمات تعیین‌کننده جنس دستوری هستند. این زبان دارای دو جنس دستوری (مذکر و مؤنث) است: ۱) اسم‌های مختوم به واژه تکیه‌دار مؤنث‌اند مانند karma (پاییز) و ۲) بقیه مذكرند: الف) اسم‌های مختوم به همخوان مانند gilà (زمستان) و اسم‌های مختوم به واژه بدون تکیه مانند baànta (شیپور) (همان: ۳۳، ۵۰، ۵۱).

1. Semantic systems
2. Natural gender systems
3. Tamil
4. Dravidian Languages
5. Formal systems
6. Overlapping

زبان‌هایی که در آن‌ها جنس اسم‌ها از صورت آن‌ها آشکار باشد، دارای جنس عیان<sup>۱</sup> و زبان‌هایی که جنس از صورت اسم‌ها آشکار نباشد، دارای جنس نهان<sup>۲</sup> اند؛ بنابراین زبان‌هایی با نظام تخصیص صوری، زبان‌های دارای جنس عیان هستند. هنگامی که قواعد معنایی و صوری (ساختواژی و واجی) با هم تعارض پیدا می‌کنند، اولویت با قواعد معنایی است. علاوه بر این، گاهی هر دو نظام معنایی و صوری در تخصیص جنس مشارکت کرده و دچار همپوشانی می‌شوند. همپوشانی به این معناست که تشخیص اینکه با چه نظام تخصیصی سروکار داریم، آسان نیست (همان: ۵۲، ۶۲، ۶۳).

معیار تعیین کننده جنس دستوری مطابقت<sup>۳</sup> است؛ روشی که در آن جنس‌های دستوری در رفتار کلمات مرتبط منعکس می‌شوند. مطابقت جنس دستوری به دو دلیل حائز اهمیت است. راهکاری است که از طریق آن جنس دستوری در کاربرد زبان تشخیص داده می‌شود و در نتیجه مبنای تعریف و تعیین تعداد جنس‌های دستوری در یک زبان است. در حالی که در مورد اصل مطابقت اتفاق آراء وجود دارد اما تعریف کلی و پذیرفته شده‌ای از آن وجود ندارد. تعریف قابل قبول از مطابقت را استیل ارائه داده است: «اصطلاح مطابقت عموماً به نوعی هم‌پراکنشی<sup>۴</sup> نظام‌مند میان ویژگی معنایی یا صوری یک عنصر با ویژگی صوری عنصر دیگر اطلاق می‌شود. مثلاً صفات ممکن است برخی از نشانه‌های صوری شمار و جنس اسمی را که توصیف می‌کنند، بگیرند». بنابراین هنگامی که می‌گوییم یک زبان دارای سه جنس دستوری است، به این معنی است که در آن زبان سه طبقه اسم وجود دارد که می‌توان آن‌ها را از نظر نحوی و از راه مطابقت متمایز کرد (همان: ۴، ۱۰۵).

#### ۴- جنس دستوری در زبان هورامی و عربی

تخصیص جنس در زبان‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: (۱) زبان‌هایی که برای نشان دادن جنس دستوری از معیارهای صوری (ساختواژی و واجی) استفاده می‌کنند (۲) زبان‌هایی که در آن‌ها معنای اسم، جنس دستوری آن را مشخص می‌کند (۳) زبان‌هایی که در آن‌ها جنس دستوری از طریق ترکیبی از معیارهای صوری و معنایی تخصیص می‌یابد (کوربت، ۱۹۹۱: ۳۰۶). زبان هورامی و عربی نیز از جمله زبان‌های جنسیت‌دار به شمار می‌آیند که برای تخصیص جنس از ترکیبی از معیارهای صوری و معنایی استفاده می‌کنند. جنس در آن‌ها نقش پررنگی ایفا می‌کند و هر کدام از آن‌ها برای نمود جنس از ابزار و سازوکار خاصی استفاده می‌کنند.

- 
1. Overt gender
  2. Covert gender
  3. Agreement
  4. Covariance

#### ۴-۱- جنس دستوری در زبان هورامی

هورامی دارای دو جنس دستوری (مذکر و مؤنث) و دو شمار (مفرد و جمع) است. همه اسم‌ها یا مذکر هستند یا مؤنث. نظام معنایی در هورامی به این صورت است که الف) اسم‌های دارای تمایز جنسی نر (حیوان و انسان)، مذکر هستند مانند kata'ljir (خروس) و kɔɣ (پسر). ب) اسم‌های دارای تمایز جنسی ماده (حیوان و انسان)، مؤنث هستند مانند karga (مرغ) و knatʃe (دختر). معیار صوری تخصیص جنس دستوری در هورامی، تکیه و آوای پایانی است (مکنزی، ۱۹۶۶) (سجادی، ۱۳۹۴). قابل ذکر است که فقط اسم‌های مفرد دارای جنس دستوری هستند.

الف) مذکر:

۱. همه اسم‌های مختوم به همخوان، مانند: varg (سگ)، ɾoɟʃjar (خورشید)، varan (باران).
۲. اسم‌های مختوم به واکه‌های تکیه‌دار «-a، -i، -o، -u»، مانند: ha'na (چشمه)، he'ta (تخم‌مرغ)، 'gdʒi (پیراهن)، məz'gi (مسجد)، 'ɾo (روز)، ma'mo (عمو)، ka'tu (کلبه)، ha'tu (عقاب).
۳. بیشتر اسم‌های مختوم به واکه تکیه‌دار «-a»، مانند: pa'ta (کفش)، ga'ta (برگ)، 'va (باد).
۴. برخی از اسم‌های مختوم به همخوان «-j»، مانند: 'tʃaj (چای). «(مذکر) ʃal tʃaj، چای خوب»

ب) مؤنث:

۵. اسم‌های مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-a، -i»، مانند: 'manga (ماه)، 'ʃava (شب)، 'wazi (گردو)، 'wəni (خون).
۶. همه اسم‌های مختوم به واکه تکیه‌دار «-e»، مانند: kna'tʃe (دختر)، ɾo'tʃe (روزه)، ma'le (شنا).
۷. بیشتر اسم‌های مختوم به همخوان «-j»، مانند: 'draj (خار)، 'nwaj (نخود)، 'baj (به میوه).
۸. برخی از اسم‌های مختوم به واکه تکیه‌دار «-a»، مانند: ʃa'ba (پالتو)، ʔa'ra (مادر).

همانطور که از مثال‌ها پیداست، اسم‌های مختوم به (-a) و (-i) هم جنس دستوری مذکر می‌گیرند و هم جنس دستوری مؤنث. آنچه که بین آنها تمایز ایجاد می‌کند جایگاه تکیه است. اسم‌های مختوم به (-a) و (-i) تکیه‌دار مذکر و اسم‌های مختوم به این دو واکه بدون تکیه مؤنث هستند. علاوه بر این، بیشتر اسم‌های مختوم به (-a) تکیه‌دار مذکر هستند و بیشتر اسم‌های مختوم به (-j) مؤنث هستند. در این موارد، آنچه که جنس دستوری اسم را تعیین می‌کند، مطابقت و نشانگرهای صوری مطابقت جنس دستوری هستند (توجه کنید به مثال‌های ۱ و ۲).

1) A: tʃaj	ʃal
tea.MASC	good.MASC (چای خوب)
B: nwaj	zəl-a



pea.FEM	big-FEM (نخود بزرگ)
2) A: pa+α-j	sur
shoe.MASC-GEN	red.MASC (کفش قرمز)
B: ʕa'ba-j	zarɹ-a
coat.FEM-GEN	yellow-FEM (پالتو زرد)

بنابراین جنس دستوری در زبان هورامی صوری و براساس تکیه و آوای پایانی تعیین می‌شود و جنس بدون نشان، مذکر است (مکنزی، ۱۹۶۶) (سجادی، ۱۳۹۴). همچنین در مواردی مانند *kaʔa'ʃir* (خروس)، *koʔ* (پسر) و *karga* (مرغ) و *knaʔtʃe* (دختر) میان نظام معنایی و نظام صوری همپوشانی وجود دارد. مکنزی (۱۹۶۶: ۱۳) می‌گوید، در اسم‌هایی غیر از اسم‌های دارای جنس طبیعی، جنس دستوری براساس صورت واژه تعیین می‌شود. سجادی (۱۳۹۴: ۱۲۱) می‌گوید، در زبان هورامی اسم چه دارای جنس زیستی باشد چه نباشد، تعیین جنس دستوری آن وابسته به صورت و آوای پایانی واژه است. او می‌گوید جنس طبیعی اسم از روی واژه قابل تشخیص است و نیازی به دانستن جنس طبیعی اسم از روی معنای آن نیست. با این وجود، نباید نقش نظام معنایی در زبان هورامی را به کلی انکار کرد؛ زیرا براساس نظام صوری در اسم‌های مختوم به «-a» و «-j»، احتمال تذکیر و تأنیث وجود دارد؛ به همین دلیل در مواردی مانند «ʔa'ʃa (مادر)، *pja* (مرد)، *ma'ma* (مادر بزرگ)، *za'ma* (داماد)، *bra* (برادر) و *maj* (گوسفند)»، تخصیص نهایی جنس براساس نظام معنایی انجام می‌گیرد؛ بنابراین اینکه می‌گوییم نظام جنس دستوری در زبان هورامی غالباً صوری است، به این معنا نیست که نظام معنایی در این زبان وجود ندارد یا اضافی است. نمونه چنین زبانی، زبان قفار است. همانگونه که قبلاً نیز در مورد آن توضیح دادیم، این زبان دارای نظام واجی قابل ملاحظه‌ایی است؛ تقریباً همه اسم‌ها (حداقل ۹۵ درصد) براساس نظام واجی به جنس دستوری خود تخصیص پیدا می‌کنند (کوربت، ۱۹۹۱: ۵۲). با این وجود نباید نقش نظام معنایی در این زبان را انکار کرد. کوربت می‌گوید هیچ نظام جنس دستوری وجود ندارد که در آن جنس‌های دستوری کاملاً صوری باشند، بنابراین نظام‌های تخصیص صوری، در واقع نظام‌های معنایی به علاوه نظام‌های صوری‌اند (کوربت، ۱۹۹۱: ۳۰۷).

در جمع میان مذکر و مؤنث تمایز جنس دستوری وجود ندارد و پسوندهای جمع «-i» و «-e» بدون تمایز برای اسم‌های مذکر و مؤنث به کار می‌روند. پسوند اول یعنی «-i» تنها در مورد اسم‌های مفرد مؤنث مختوم به «-i» به کار می‌رود، مانند: *ʔani* (یک زن): *ʔani* (زن‌ها)؛ بنابراین در این حالت «-i» هم نشانه مفرد مؤنث است و هم نشانه جمع و باید با توجه به بافت، مفرد و جمع بودن آن را تشخیص داد. پسوند دوم یعنی «-e» به بقیه اسم‌های مفرد مذکر و مؤنث اضافه می‌شود و هنگامی که اضافه شود تغییری در اسم‌های مفرد اتفاق می‌افتد مانند مثال‌های زیر: *ha'na* (مذکر) ← *ha'ne* = چشمه‌ها، «*karga* (مؤنث)» ← = *karge* مرغ‌ها، «*ko* (مذکر)» ← *kve* = کوه‌ها، «*ʃu* (مذکر)» ← *ʃwe* = شوهرها، «*kna'tʃe* (مؤنث)» ← *kna'tʃe* = دختران، «*məz'gi* (مذکر)» ← *məz'gje* = مسجد‌ها، «*ʔaj* (مذکر)» ← *ʔajje* = چایی‌ها، «*draj* (مؤنث)» ← *drajje* = خارها.»

مطابقت جنس دستوری ممکن است در سطح وسیعی از اجزاء کلام اتفاق بیفتد. از جمله: صفات، حروف تعریف معین و نامعین، اعداد، ضمائر ملکی، وجه وصفی<sup>۱</sup>، افعال، ضمائر اشاره، ضمائر موصولی، ضمائر شخصی، قیده‌ها، حروف اضافه (پیش‌اضافه و پس‌اضافه)<sup>۲</sup> و متمم‌سازها<sup>۳</sup> (کوربت، ۱۹۹۱: ۱۰۵). در هورامی هنگامی که صفات با اسم‌های مذکر مطابقت کنند یا مختوم به همخوان‌اند و یا یکی از 'a, -'a و هنگامی که با اسم‌های مؤنث مطابقت کنند یا مختوم به واکه بدون تکیه (a-) و یا واکه تکیه‌دار (-'e) هستند.

3) kɔɾ-i                      ʒir  
boy.MASC-IZ                wise.MASC (پسر عاقل)

4) knatʃ-e                     ʒir-a  
girl-FEM-IZ                 wise-FEM (دختری عاقل)

در هورامی حرف تعریف معین (ak-) دارای تمایز جنس دستوری است و با اسامی مذکر و مؤنث در جنس دستوری مطابقت نشان می‌دهد. برای مذکر به صورت «-aka» و برای مؤنث به صورت «-ake» نمود پیدا می‌کند اما همانگونه که از مثال‌ها پیداست، حرف تعریف نامعین (-ev) تمایز جنس دستوری ندارد و با اسامی مذکر و مؤنث به یک صورت به کار می‌رود.

5) ɾo                            +    -ak-a                      → ɾo-ak-a  
day.MASC                    DEF-MASC                'the day'

6) ʃav.a                        +    -ak-e                      → ʃav-ak-e  
night.FEM                    DEF-FEM                 'the night'

7) kɔɾ                            +    -e(va)                      → kɔɾ-e(va)  
boy-MASC                    INDF                        'a boy' (پسری)

8) knatʃ                        +    -e(va)                      → knatʃ-e(va)  
girl-FEM                      INDF                        'a girl' (دختری)

ضمایر شخصی فاعلی و مفعولی تنها در سوم شخص مفرد تمایز جنس دستوری دارند. نشانگر صوری مطابقت جنس دستوری در این ضمایر در حالت فاعلی، برای مذکر «-Ø» و برای مؤنث «-a» است. نشانگر

- 
1. Participle
  2. Adpositions (preposition & postposition)
  3. Complementizers

صوری مطابقت جنس دستوری در حالت مفعولی، برای مذکر «-i» و برای مؤنث «-e» است. ضمیر سوم شخص براساس فاصله از گوینده دو صورت نزدیک و دور نیز دارند.  $\text{ʔe}i$  (او=مذکر-نزدیک)،  $\text{ʔe}i-a$  (او=مؤنث-نزدیک)،  $\text{ʔa}i$  (او=مذکر-دور)،  $\text{ʔa}i-a$  (او=مؤنث-دور)،  $\text{ʔa}i-i$  (او=مذکر-نزدیک)،  $\text{ʔe}i-i$  (او=مؤنث-نزدیک)،  $\text{ʔa}i-e$  (او=مذکر-دور)،  $\text{ʔe}i-e$  (او=مؤنث-دور).

افعال ربطی سوم شخص مفرد «هستن» و «شدن» و افعال لازمی که ستاک گذشته آن‌ها مختوم به همخوان است، در گذشته ساده دارای تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث هستند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰) در حال ساده، التزامی و استمرار جنس در هیچ‌یک از شخص‌های دستوری دارای تمایز نیست. در حالی که در دیگر زمان‌ها جنس دستوری در هر سه شخص مفرد متمایز است (محمودی بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۱).

9) $w\text{ə}t\text{-}a\text{-}n\text{-}a$ sleep.PST-MASC-is-1SG (خوابیده‌ام) (خوابیده‌ام)	$w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}a$ sleep.PST-FEM-is-1SG
10) $w\text{ə}t\text{-}a\text{-}n\text{-}i$ sleep.PST-MASC-is-2SG (خوابیده‌ای) 2SG (خوابیده‌ای)	$w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}i$ sleep.PST-FEM-is-
11) $w\text{ə}t\text{-}a\text{-}n\text{-}\emptyset$ (خوابیده) sleep.PST-MASC-is-3SG.MASC FEM	$w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}a$ (خوابیده) sleep.PST-FEM-is-3SG-FEM

اما در سه شخص جمع تمایز جنس دستوری وجود ندارد.

12) $w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}me$ (خوابیده‌ایم) $w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}de$ (خوابیده‌اید) $w\text{ə}t\text{-}e\text{-}n\text{-}e$ (خوابیده‌اند) sleep.PST-PL-is-1PL      sleep.PST-PL-is-2PL      sleep.PST-PL-is-3PL
--

#### ۴-۲- جنس دستوری در زبان عربی

نظام معنایی در زبان عربی به این صورت است که الف) مذکر: اسم‌های دارای تمایز جنسی نر یا فرج مذکر (انسان و حیوان)، مذکرند. ب) مؤنث: اسم‌های دارای تمایز جنسی ماده یا فرج مؤنث (انسان و حیوان)، مؤنث اند (این‌الانبیاء، ۱۹۷۰: ۶۳)، (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۲۴). نمونه اسم‌های دارای نظام معنایی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱ نظام معنایی در عربی

جنس	معیار	مثال	معادل
مذکر	نر (انسان، حیوان)	?ab (أب) ?asad (أسد)	پدر شیر نر
مؤنث	ماده (انسان، حیوان)	?omm (أُم) labw-ah (لَبْوَة)	مادر شیر ماده

از نظر ساختواژی، صورت مذکر به عنوان صورت ساده و اساسی مطرح است، در حالی که اسم‌های مؤنث معمولاً دارای پسوندی هستند که به عنوان نشانگر جنسی به آنها اضافه می‌شود. در زبان عربی جنس در تمام انواع مختلف شمار نمود پیدا می‌کند. اسم‌های عربی برای سه نوع مختلف از شمار مشخص شده‌اند: مفرد، مثنی و جمع. مفرد به عنوان شکل پایه اسم در نظر گرفته می‌شود و مثنی و جمع نیز شکل توسعه یافته مفرداند، یا با پسوند (مثنی و جمع سالم) و یا با تغییر در ساختار (جمع مکسر) (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۲۹) (بدوی، کارتر و گولی، ۲۰۰۴: ۹۰).

مفرد: الف) مؤنث: اسمی که یکی از نشانگرهای تأنیث، تاء تأنیث «(h)-at»، ألف مقصورة «-a»، ألف ممدودة «-a?» (سیبویه، ۱۹۸۸) را داشته باشد. (جدول ۲)

جدول ۲ نظام صوری (رایدینگ، ۲۰۰۵)

اسم‌های مختوم به:	اسم خاص مؤنث	صفت
تاء تأنیث «(h)-at»:	qabil-ah (قبیله)	قبیله
ألف مقصورة «-a»:	salm-a (سَلْمِي)	اسم خاص
ألف ممدودة «-a?»:	ahṛ-a?saḥ (صحراء)	بیابان

ب) مذکر: اسمی است که در آن هیچکدام از نشانگرهای تأنیث (تاء تأنیث: at-، الف مقصورة: a-، الف ممدودة: a?) وجود نداشته باشد. بر این اساس جنس بی نشان در زبان عربی، مذکر است. سیبویه (۱۹۸۸) می‌گوید اصل در همه چیز (اشیاء) تذکیر است و تأنیث از تذکیر می‌آید (۱۹۸۸، ج ۱: ۲۲ و ج ۳: ۲۴۱). السیوطی (۱۳۹۵) می‌گوید تأنیث فرع تذکیر است؛ به همین خاطر به نشانگر نیاز دارد (۱۳۹۵، ج ۲: ۳۰۱)، lajl لیل (شب)، bab باب (در)، ʿilm علم (دانش) (بدیع یعقوب، ۱۹۹۴: ۶۱).

مواردی نیز یافت می‌شوند که با وجود اینکه از لحاظ معنایی مؤنث نیستند و نشانگر صوری تأنیث ندارند، اما به عنوان مؤنث به کار می‌روند و مطابقت جنس دستوری مؤنث می‌گیرند، مانند: sama? سماء (آسمان)، ʿard? أرض (زمین)، arbḥ حَرَب (جنگ)، nar نار (آتش)، šams شَمْس (خورشید)، naʿi نَعْل (کفش)، ʿasa? عصا (چوبدستی)، dar دار (خانه)، و غیره (همان: ۲۲۱) این موارد تحت عنوان مؤنث بی‌قاعده یا مؤنث مجازی عنوان می‌شوند و باید با توجه به بافت و مطابقت، جنس دستوری آن‌ها را تشخیص داد.

مثنی<sup>۱</sup>: زبان عربی برای اشاره به دو عدد از پسوند مثنی روی ستاک مفرد استفاده می‌کند، /-ani/ حالت فاعلی<sup>۲</sup> /-ajni/ : حالت مفعولی<sup>۳</sup> و حالت اضافه<sup>۴</sup> (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۲۹).

الف) مؤنث: تاء تأنیث: وقتی پسوند مثنی به یک اسم (صفت) مفرد مؤنث مختوم به تاء مربوطه اضافه شود، این تاء به صورت تاء مبسوطه در می‌آید. سنَه sanat-on ← سنتان sanat-ani دو سال - بعد سنتین sanat-ajni بعد از دو سال (همان: ۱۳۰، ۱۲۹). اَلْف مقصوره (-a): هنگامی که پسوند مثنی به اسم‌ها و صفات مختوم به اَلْف مقصوره (-a) اضافه می‌شود، نشانگر تأنیث به همخوان یاء (j) تبدیل می‌شود. حُبلی obl-ah ← حُبلیان oblaj-anih / حُبلیین oblaj-ajnih (دو زن حامله) (السبوطی، ۱۳۹۵: ۳۱۶). اَلْف ممدوده (-aʔ): هنگامی که پسوند مثنی به اسم‌ها و صفات مختوم به اَلْف ممدوده (-aʔ) اضافه می‌شود، نشانگر تأنیث به همخوان واو (w) تبدیل می‌شود. صَحراء ahr-aʔs ← صحراوان ahraw-s<sup>۵</sup> ani / صحراوین ahraw-ajnis<sup>۶</sup> (دو بیابان) (همان: ۳۱۷).

ب) مذکر: در مثنی نیز مذکر صورت بی نشان است؛ یعنی جنس دستوری مذکر نشانگر صوری خاصی ندارد و همانند مفرد، نبود نشانگر تأنیث، معنی دار است. رَجُل radzol-on ← رَجُلان radzol-ani / رَجُلین radzol-ajni (دو مرد).

جمع<sup>۷</sup>: جمع بندی اسم‌ها در زبان عربی به سه شیوه صورت می‌گیرد. دو مورد از آن‌ها جمع‌های ظاهری‌اند؛ یعنی متشکل از پسوندهایی‌اند که به ستاک مفرد اضافه می‌شوند (جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم). در شیوه سوم، تغییر در داخل ستاک اسم مفرد رخ می‌دهد (جمع مکسر) (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۳۲).

الف) جمع مؤنث سالم<sup>۷</sup>: این جمع از یک پسوند -at (متصل به ستاک مفرد مؤنث اسم (صفت) تشکیل می‌شود. هنگامی که این پسوند به اسم (صفت) مفرد مؤنث مختوم به تاء (-at) وصل می‌شود، نشانگر مؤنث در آن حذف می‌شود (همان: ۱۳۲). پسوند -at همزمان هم بر شمار (جمع) و هم بر جنس (مؤنث) دلالت می‌کند. این جمع به جای سه حالت، تنها دو حالت را نشان می‌دهد: «-on یا -o» برای حالت فاعلی و «-in یا -i» برای حالت مفعولی و اضافی. حُکومه okum-ahh ← حُکومات okum-ath (دولت‌ها) (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۳۲). هنگامی که پسوند جمع مؤنث سالم به اسم‌های مختوم به اَلْف مقصوره و اَلْف ممدوده متصل می‌شود، تغییراتی که در هنگام اضافه شدن پسوند مثنی در آن‌ها رخ می‌داد، در اینجا نیز صورت می‌پذیرد (السبوطی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۲۰).

1. Dual
2. Nominative
3. Accusative
4. Genitive
5. Plural
6. External plurals
7. Sound feminine plural

ب) جمع مذکر سالم<sup>۱</sup>: این جمع از لحاظ تعداد بسیار محدودتر از جمع مؤنث سالم است؛ زیرا تقریباً بدون استثنا فقط در اسمها و صفت‌های مربوط به انسان‌های نر یا گروه‌های متشکل از مردان و زنان به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر، تخصیص جنس در جمع مذکر سالم، اساس معنایی دارد. جمع مذکر سالم از طریق پسوندی ساخته می‌شود که به ستاک اسم (صفت) مفرد مذکر متصل می‌شود: «-una» برای حالت فاعلی و «-ina» برای حالت مفعولی و اضافی. این جمع، همانند مثنی و جمع مؤنث سالم، به جای سه حالت فقط دو حالت را نشان می‌دهد (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۴۰). زید zaid-on ← زیدون zaid-una / زیدین zaid-ina (زیدها).

ج) جمع مکسر<sup>۲</sup>: عبارت است از تغییر واکه در درون ستاک کلمه و یا اضافه شدن یک همخوان باشد (رایدینگ، ۲۰۰۵: ۱۴۴). جمع مکسر بدون محدودیت برای هر دو جنس مذکر و مؤنث به کار می‌رود و به نوعی مکمل جمع مذکر سالم است؛ چون همانگونه که عنوان شد، جمع مذکر سالم اسمها و صفت‌هایی را که برای غیر انسان به کار می‌روند، پوشش نمی‌دهد. راییدینگ (۲۰۰۵) می‌گوید رابطه بین اسم مفرد و اوزان جمع مکسر آنها، به الگوهای هجا و تکیه مربوط می‌شود؛ بنابراین تمایز جنس در جمع مکسر براساس اوزان جداگانه مذکر و مؤنث تعیین می‌شود. به عنوان نمونه، اوزانی مثل CVCCVC (أفعال) و CVCVC (فُعَل) برای مذکر به کار می‌روند مانند Paqfal (أقفال) جمع قفل، قفل‌ها و kotob (كُتُب) جمع کتاب، کتاب‌ها و اوزانی مانند CVCVCV (فَعَالِي)، CVCVCVC (فواعل) و CVCVCVC (فَعَائِل) برای مؤنث به کار می‌روند، مانند aħaras<sup>۳</sup> (صَحْرَاء) جمع صحراء، بیابان‌ها، qawaʔim (قَوَائِم) جمع قائمه، ستون‌ها و aħaʔifs<sup>۴</sup> (صَحَائِف) جمع صحیفه، صفحه‌ها (الشترتونی، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۳).

در زبان عربی، در موارد زیادی، شاهد همپوشانی نظام معنایی و نظام صوری هستیم. در جنس دستوری مذکر اسم‌هایی مانند: mohammad محمد (اسم خاص)، radʒol رَجُل (مرد)، isʔanħ إصْنَان (اسب نر) و dʒamal جَمَل (شتر نر)، هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ صوری (ساختواژی) مذکرند. در جنس دستوری مؤنث نیز اسم‌هایی مانند: fatʔimah فَاطِمَة (اسم خاص)، soʔda سَعْدِي (اسم خاص) و hajfaʔ هَيْفَاء (اسم مکان) هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ صوری (ساختواژی) مؤنث‌اند (بدیع یعقوب، ۱۹۹۴: ۶۱۶۲).

صفات در زبان عربی با اسمها مطابقت می‌کنند.

13) ʔal-baħr-o I-ʔaħmar-o

the-sea.MASC-NOM the-red.MASC-NOM (البحرُ الأحمرُ) (دریای سرخ)

14) ʔana maħðʔuðʔ-at-on

I.FEM fortunate-FEM-NOM (رایدینگ، ۲۰۰۵) (أنا محظوظة) (من خوشبخت هستم)

1. Sound masculine plural  
2. Broken plural

صفات تنها اجزاء کلام نیستند که از نظر جنس دستوری با اسم‌ها مطابقت می‌کنند. ضمایر و افعال نیز دارای مطابقت جنس دستوری‌اند. افعال در زمان گذشته و حال تمایز جنس دستوری نشان می‌دهند (مثال‌های ۱۲ و ۱۳). با این حال، مطابقت برای حرف تعریف «-ا» صادق نیست و حرف تعریف نسبت به جنس دستوری بی- تفاوت است، به مثال‌های زیر توجه کنید:

15) ja-htʕil-o                      I-θaldʒ-o                      ʕal    I-dʒɪbal-i  
3-fall.SG.MASC-IND              the-snow.MASC-NOM              on              the-  
mountains-GEN

(برف روی کوه می‌بارد) (یَهْطِلُ الثَّلْجُ عَلَى الْجِبَالِ)

16) nadzaħ-at-i                      I-ħokum-at-o  
succeeded-3SG.FEM-V              the-government-FEM-NOM              نَجَّحَتْ

(الحُكُومَةُ) (دولت پیروز شد)

ضمایر شخصی در عربی به دو نوع منفصل و متصل تقسیم می‌شوند. هر دو نوع ضمیر براساس جنسیت مرجعشان تمایز جنس دستوری نشان می‌دهند. ضمایر فاعلی منفصل مانند «هُوَ=او-مذکر) howa» و «هِيَ=او-مؤنث) hiya» و «أنت=تو-مذکر) ?anta» و «أنت=تو-مؤنث) ?anti». ضمایر متصل بی- بست‌های مفعولی‌اند که به صورت مفعول فعل (مفعول مستقیم<sup>۱</sup>) یا مفعول حرف اضافه<sup>۲</sup> (مفعول غیر مستقیم<sup>۳</sup>) نمود پیدا می‌کنند.

17) A: dʕarab-a=ha                      B: dʕarab-a=ho  
hit-3SG.MASC-her.FEM-ACC (ضَرَبَهَا)              hit-3SG.MASC-her.FEM-  
ACC (ضَرَبْتُهَا)

ضمایر در شمار مثنی «هُمَا=آن‌ها (دو)مذکر و مؤنث) homa» «أنتما=آن‌ها (دو) مذکر و مؤنث) ?antoma» و در اول شخص «أنا=من-مذکر و مؤنث) ?ana» «نحن=ما-مذکر و مؤنث) naħno» تمایز جنس دستوری ندارند (رایدینگ، ۲۰۰۵) (صالح، ۱۹۸۵).

#### ۴-۳- جنس دستوری در زبان هورامی و عربی و جهانی‌های گرینبرگ

از مجموع ۴۵ جهانی گرینبرگ (۱۹۶۳)، ۷ جهانی مربوط به جنس دستوری در زبان‌های دنیا می‌باشند. این جهانی‌ها عبارتند از:

1. Direct object
2. Object of a preposition
3. Indirect object

جهانی ۳۱: اگر فاعل اسمی یا مفعول اسمی با فاعل در جنس مطابقت کند، صفت نیز با اسم در جنس مطابقت می‌کند. جهانی ۳۲: هرگاه فعل با فاعل اسمی یا مفعول اسمی در جنس مطابقت کند، در شمار نیز با آن مطابقت می‌کند. جهانی ۳۶: اگر زبانی مقوله جنس داشته باشد، همواره دارای مقوله شمار نیز هست. جهانی ۳۷: هیچ زبانی در شمارهای غیر مفرد، مقولات جنس بیشتری از شمارهای مفرد ندارد. جهانی ۴۳: اگر زبانی دارای مقولات جنس در اسم باشد، دارای مقولات جنس در ضمیر نیز هست. جهانی ۴۴: اگر زبانی دارای تمایزهای جنس در اول شخص باشد، همواره دارای تمایزهای جنس در دوم یا سوم شخص و یا در هر دو نیز می‌باشد. جهانی ۴۵: اگر هر گونه تفاوت‌های جنس در ضمیر جمع وجود داشته باشند، تمایزهای جنس در ضمیر مفرد نیز وجود دارند.

با توجه به آنچه که در این پژوهش عنوان شد، تمام جهانی‌ها گریبنبرگ در جنس دستوری هورامی و عربی صادق هستند. در مورد جهانی (۴۴)، در عربی اول شخص و در هورامی اول شخص و دوم شخص (در ضمائر) تمایز جنس دستوری ندارند. در مورد جهانی (۴۵)، در عربی ضمائر مفرد و جمع تمایز جنس دستوری دارند اما ضمائر مثنی تمایز جنس دستوری ندارند. در هورامی تنها ضمائر مفرد تمایز نشان می‌دهند و ضمائر جمع تمایز جنس ندارند. این ویژگی‌ها ناقص جهانی‌های گریبنبرگ نیستند؛ زیرا چنان که رضایی و بهرامی (۱۳۹۴) عنوان نموده‌اند، در جهانی‌های تلویحی تنها رابطه یکطرفه میان مؤلفه‌های گزاره برقرار است.

## ۵- نتیجه گیری

همانطور که عنوان شد، هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی شباهت‌ها و تفاوت‌های جنس دستوری بین هورامی و عربی است که متعلق به دو خانواده زبانی مختلف هستند.

مقایسه داده‌ها نشان می‌دهد که در هر دو زبان: دو جنس دستوری (مذکر و مؤنث) وجود دارد؛ همه اسم‌ها یا مذکر هستند یا مؤنث. هر دو زبان در تخصیص جنس دارای نظام معنایی هستند اما نظام غالب در آن‌ها صوری است با این تفاوت که زبان هورامی دارای نظام واجی و زبان عربی دارای نظام ساختاروی است و در مواردی نیز نظام معنایی و صوری با هم همپوشانی دارند. جنس دستوری بدون نشان مذکر است. صفات، افعال و ضمائر در جنس دستوری مطابقت می‌کنند. ضمائر در هر دو زبان در اول شخص تمایز جنس دستوری ندارند. در مواردی که تمایز جنس دستوری از معنا و صورت واژه قابل تشخیص نباشد (در هورامی اسم‌های مختوم به «<sup>۱</sup>ا» و «-ج» و در عربی مؤنث‌های مجازی)، عناصر مطابقت مانند صفات به تعیین جنس دستوری اسم‌ها کمک می‌کنند. نظام تخصیص غالب جنس دستوری در هر دو زبان صوری است و دارای جنس عیان هستند.

همچنین تفاوت‌هایی بین این دو زبان وجود دارد. این تفاوت‌ها در کنش جنس دستوری در این دو زبان با زمان، شخص و شمار است. در هورامی، تمایز جنس دستوری در افعال غالباً در زمان گذشته است اما در زبان عربی، افعال در هر دو زمان گذشته و حال تمایز جنس دستوری دارند. در هورامی، جنس دستوری در ضمائر تنها در سوم شخص نمود پیدا می‌کند، در حالی که در عربی جنس دستوری در سوم شخص و دوم شخص یافت می‌شود. در هورامی، تنها اسم‌های مفرد تمایز جنس دستوری دارند، در حالی که در زبان عربی، اسم-



های مفرد، مثنی و جمع از این تمایز برخوردارند. علاوه بر این، در هورامی، حرف تعریف (معین) با اسم در جنس دستوری مطابقت می‌کند، در حالی که در زبان عربی، مطابقت نمی‌کند. بررسی جهانی‌های گرینبرگ در مورد جنس دستوری نیز نشان داد که همه جهانی‌های تلویحی گرینبرگ در مورد جنس دستوری در این دو زبان صادق هستند.

### منابع

- ابن الأَنباری، أبو البرکات. ۱۹۷۰. البلغة فی الفرق بین المذکر و المؤنث. القاهرة: مطبعة دارالکتب.
- ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۹۸. دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
- السیوطی، جلال الدین بن أبی بکر. ۱۳۹۵. البهجة المرضیة فی شرح الألفیة. قم: دارالهمزة.
- الشرتونی، رشید. ۱۳۹۲. مبادئ العربیة. قم: دارالفکر.
- بدیع یعقوب، ایمیل. ۱۹۹۴. المعجم المفصل فی المذکر و المؤنث. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دبیرمقدم، محمد. ۱۳۹۶. رده شناسی زبان های ایرانی. جلد ۲. تهران: سمت.
- رضایی، والی و فاطمه بهرامی. ۱۳۹۶. مبانی رده شناسی زبان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سجادی، سید مهدی. ۱۳۹۴. جنس دستوری در زبان هورامی. مریوان: نه وین.
- سیبویه، أبی بشر عمرو بن عثمان بن قنبر. ۱۹۸۸. الكتاب. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- عبدالنواب، رمضان. ۱۹۷۷. المدخل الی علم اللغة. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- محمودی بختیاری و همکاران. ۱۳۹۸. جنس دستوری در زبان هورامی. جستارهای زبانی: ۲۳۲-۲۰۹

- Badawi, El-Said, Michael G. Carter, and Adrian Gully. 2004. Modern written Arabic: a comprehensive grammar. London and New York: Routledge.
- Barbera, Gerardo. 2001. "Exploring Grammatical Gender in New Iranian Languages and Dialects: An Overview With Some Typological Considerations."
- Corbett, Greville G. 1991. gender. Cambridge University Press.
- Fasold, R. W, and Jeff Connor-Linton. 2006. An Introduction to Language and Linguistics. Cambridge : Cambridge University Press.
- Fehri Fassi, Abdelkader . 2018. Constructing Feminine to Mean: Gender, Number, Numeral, and Quantifier Extensions in Arabic. Lanham, Boulder, New York, and London: Lexington Books.
- Gordon , Raymond G. 2005. Ethnologue: Languages of the World. Dallas: SIL International. Online version: [www.ethnologue.com/](http://www.ethnologue.com/).
- Greenberg, Joseph H. 1963. "some universal of grammar with particular reference to the order of meaningful elements." In Universals of Languages, by Joseph H. Greenberg, 73-113. Cambridge: MIT Press.
- Haspelmath, Martin, and Andrea D. Sims. 2010. Understanding Morphology. London: Hodder Education.
- Hellinger, Marlis, and Hadumod Bußmann. 2001. Gender Across Languages. Philadelphia: John Benjamins North America.

- Kreyenbroek, Philip G, and Behrooz Chamanara. 2013. "Literary Gurani: Koine´ or Continuum?" *L´eternelle chez les Kurdes* 151-169.
- Mackenzie, D. N. 1966. *The Dialect of Awroman (Hawrāmān – ī Luhōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*. Køben-havn: Munksgaard. Hist. Filos. Skr.
- Mahmoudveysi, Parvin. 2016. *The meter and the literary language of Gūrānī poetry*. Hamburg: Universität Hamburg doctoral dissertation.
- Ryding 2005, Karin C. 2005. *A Reference Grammar of Modern Standard Arabic*. New York: Cambridge University Press.
- Salih, Mahmud Hosein. 1985. *Aspects of Clause Structure in Standard Arabic: A study in Relational Grammar*. New York.